

## **Analysis of Goodness Metaphor in *Menog-ī-Xerad* and *Golestan-e-Sa'di* Using Cognitive Approach**

**Anahita Partovi<sup>\*</sup>, Hossein Ghasemi<sup>\*\*</sup>**

**Morad Bagherzadeh Kasmani<sup>\*\*\*</sup>**

### **Abstract**

Mēnōg-ī-Xerad is a text, written in middle Persian, that contains a series of questions asked by Dana and answered by Mēnōg-ī-Xerad. Golestan-e-Sa'di is a prosed book that contains an introduction and eight chapters written by Sa'di. Using descriptive-analytical method, the preset study aimed at comparing the frequency of goodness metaphors in these two texts. Goodness was the most frequent virtue in these two texts, with 38 occurrences in Mēnōg-ī-Xerad and 17 occurrences in Golestan-e-Sa'di. Analysis revealed 19 names of mapping, such as "Things", "Act" and so on. "Thing", "Act", "State", and "Instrument" were the common names of mapping in the two texts but with different frequencies. [Goodness is a Thing] with 44% occurrences in Mēnōg-ī-Xerad and [Goodness is an Act] with 47% in Golestan-e-Sa'di were the most frequent names of mapping. [Goodness is a Thing] in most cases in Mēnōg-ī-Xerad refers to a constantly moving thing from a person to another or from a place to a person. Perhaps the existence of the name of mapping [goodness is a blessing] in Mēnōg-ī-Xerad is due to Zurvanite fatalistic beliefs that were

\* PhD student in Linguistics, Department of Linguistics, Faculty of Humanities, Qaemshahr Branch, Islamic Azad University, Qaemshahr, Iran, anahitapartovi@yahoo.com

\*\* Assistant Professor, Department of Linguistics, Faculty of Humanities, Qaemshahr Branch, Islamic Azad University, Qaemshahr, Iran (Corresponding author), hossein\_gh53@yahoo.com

\*\*\* Assistant Professor, Department of English Language, Faculty of Language and Literature, Chalus Branch, Islamic Azad University, Chalus, Iran, kasmankola@yahoo.com

Date received: 29/01/2021, Date of acceptance: 25/04/2021



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

common in the late Sassanid era. Also, the frequent name of mapping [Goodness is an Act] in *Golestan* indicates the pragmatic views of its writer.

**Keywords:** Conceptual Metaphor, *Golestan-e-Sa'di*, Goodness, *Mēnōg-ī-Xrad*, Name of Mapping.

## تحلیل استعارهٔ نیکی در مینوی خرد و گلستان سعدی با رویکرد شناختی

آناهیتا پرتوی\*

حسین قاسمی\*\*، مراد باقرزاده کاسمانی\*\*\*

### چکیده

مینوی خرد متنی به زبان فارسی میانه و شامل پرسش‌ها و پاسخ‌هایی است که «دانا» نامی از مینوی خرد می‌پرسد و وی به آن‌ها پاسخ می‌دهد. *گلستان* کتابی مشهور مشتمل بر دیباچه و هشت باب به قلم سعدی است. این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده و هدف از آن مقایسهٔ استعارهٔ مفهومی نیکی در این دو متن است. نیکی با پنجاه رخداد در مینوی خرد و با هجده رخداد در *گلستان* از پُربسامدترین فضایل اخلاقی است. پس از استخراج همهٔ نام‌نگاشت‌های نیکی در دو متن، هجده نام‌نگاشت مانند شیء و عمل برای مفهوم نیکی یافت شد. نام‌نگاشت‌های شیء، عمل، حالت، و ویژگی، با تفاوت بسامد، در هر دو متن مشترک بود. پُربسامدترین نام‌نگاشت‌ها «نیکی شیء است» با ۴۴ درصد در مینوی خرد و «نیکی عمل است» با ۳۹ درصد در *گلستان* مشاهده شد. «نیکی شیء است» در غالب موارد در مینوی خرد دلالت بر یک شیء دائماً در حال حرکت دارد. شاید وجود نام‌نگاشت

\* دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، گروه زبان‌شناسی، دانشکدهٔ علوم انسانی، واحد قائم‌شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائم‌شهر، ایران، [anahitapartovi@yahoo.com](mailto:anahitapartovi@yahoo.com)

\*\* استادیار گروه زبان‌شناسی، دانشکدهٔ علوم انسانی، واحد قائم‌شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائم‌شهر، ایران (نویسندهٔ مسئول)، [hossein\\_gh53@yahoo.com](mailto:hossein_gh53@yahoo.com)

\*\*\* استادیار گروه زبان انگلیسی، دانشکدهٔ زبان و ادبیات، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس ایران، [kasmankola@yahoo.com](mailto:kasmankola@yahoo.com)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۰۵



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

«نیکی موهبت است» در مینوی خرد نشان از تفکر تقدیرگرای زروانی رایج در اواخر دوره ساسانی داشته باشد. هم‌چنین، شاید بسامد بالای نام‌نگاشت «نیکی عمل است» در گلستان نشان از عمل‌گرایی نگارنده گلستان دارد.

**کلیدواژه‌ها:** استعاره مفهومی، گلستان سعدی، مینوی خرد، نام‌نگاشت، نیکی.

## ۱. مقدمه

داستان مینوی خرد (احکام و آرای ذات عقل) یا مینوی خرد کتابی است به‌زبان پهلوی (فارسی میانه) شامل یک مقدمه و ۶۲ پرسش که هر یک با سؤالی از «دانا» آغاز می‌شود و مینوی خرد (مینو به معنی «ذات» و «اصل» و «باطن») (دالوند ۱۳۹۹: ۲۶) به آن پرسش‌ها پاسخ می‌دهد. مینوی خرد، مثل دیگر کتب کهن ایرانی، منبع پند و اندرز است. گلستان نوشته شاعر و نویسنده پُراوازه ایرانی، سعدی شیرازی، است. به‌باور بسیاری، گلستان تأثیرگذارترین کتاب نثر در ادبیات فارسی است که به نثر مسجع (آهنگین) با یک دیباچه و هشت باب نوشته شده است. بیش‌تر نوشته‌های آن کوتاه و به‌شیوه داستان‌ها و پندهای اخلاقی و اندرزی است و در ۶۵۶ ق نگاهشته شده است (مصاحب ۱۳۵۶).

در پژوهش حاضر سعی می‌شود با روش توصیفی – تحلیلی به بررسی استعاره‌های مفهومی نیکی در دو کتاب مینوی خرد و گلستان سعدی پرداخته شود. نخست به‌روش کتاب‌خانه‌ای به شرح نظریه استعاره معاصر و مفاهیم مطرح در این حوزه پرداخته می‌شود. سپس، استعاره‌های مفهومی مضمون اخلاقی نیکی به‌عنوان پُربسامدترین فضیلت اخلاقی یافت‌شده در این دو متن، با تمرکز بر چگونگی مفهوم‌سازی، بررسی می‌شود.

## ۲. طرح مسئله

هدف از این پژوهش بررسی استعاره‌های مضمون اخلاقی «نیکی» در دو اندرزنامه مینوی خرد (اندرزنامه پیش از اسلام) و گلستان سعدی (اندرزنامه پس از اسلام) با رویکرد شناختی است. زبان‌شناسی شناختی جایگاه ویژه‌ای در علوم شناختی دارد، زیرا در این علم از طریق زبان به بررسی کارکردهای شناختی و فرایندهای پنهان ذهن پرداخته می‌شود. لیکاف و جانسون (Lakoff and Johnson 2003) با کشف نظام گسترده‌ای از استعاره‌های روزمره و متعارف امکان ایجاد نظریه معاصر استعاره را فراهم کردند که در آن

تفکر و ذهن دارای ماهیت استعاری است. در این قالب مفهوم‌سازی یک حوزه از تجربه در قالب حوزه‌ای دیگر بیان می‌شود؛ یعنی ذهن انسان مفاهیم انتزاعی (حوزه مقصد) را با بهره‌گیری از مفاهیم عینی (حوزه مبدأ) درک می‌کند.

در این پژوهش روش تحقیق توصیفی - تحلیلی است. یافته‌های این پژوهش می‌تواند، با در نظر گرفتن چگونگی مفهوم‌سازی حوزه‌های استعاره اخلاقی نیکو و هم‌چنین فراوانی‌های آن، شیوه تفکر و نگرش دو اندرزنامه‌نویس پیش و پس از اسلام را به این مقوله مشخص کند.

### ۳. پیشینه تحقیق

در زمینه مفاهیم اخلاقی، چه در متون مذهبی چه در ادبیات فارسی، مطالعات بسیار گسترده‌ای انجام گرفته است که به بیان برخی از آن‌ها پرداخته می‌شود.

فضایلی و ابراهیمی (۱۳۹۳) با هدف بررسی چگونگی مفهوم‌سازی «غم» در اشعار مسعود سعد سلمان تحقیقی انجام داده‌اند.

مرادی و پیرزاد (۲۰۱۴) مفهوم «خشم» را در دو زبان انگلیسی و فارسی، که از نظر رده‌شناختی دو زبان متفاوت‌اند، طبق نظریه استعاره مفهومی لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) مورد توجه قرار داده‌اند.

ملکیان و ساسانی (۱۳۹۳) مفهوم‌سازی «خشم» را در زبان فارسی به کمک سازوکار شناختی استعاره بررسی کرده‌اند.

تباری (۱۳۹۴)، در پایان‌نامه خود، ضمن توضیح درباره زبان‌شناسی شناختی و زبان‌شناسی پیکره‌ای، به استعاره‌های مفهومی پرداخته است.

حامدی شیروان و شریفی (۱۳۹۴) به بررسی استعاره‌های شناختی «خشم و کینه» در پنج داستان از شاهنامه فردوسی پرداخته‌اند.

قاسمی (۱۳۹۶) به بررسی استعاره‌های مفهومی و طرح‌واره‌های تصویری واژه «غم» در اشعار فریدون مشیری پرداخته است.

مولودی و دیگران (۱۳۹۴) به بررسی مفهوم‌سازی استعاری «خشم» در زبان فارسی براساس نظریه استعاره مفهومی پرداخته‌اند.

بختیاری و سراج (۱۳۹۵) استخراج حوزه‌های مبدأ و مقصد استعاره‌های مفهومی در شاهنامه فردوسی و بررسی تطبیقی با حوزه‌های مبدأ و مقصد رایج براساس دیدگاه کووچش (۲۰۱۰) را انجام داده‌اند.

دیلمقانی (۱۳۹۵)، با بررسی تحول تاریخی استعاره‌های مفهومی در زبان فارسی و باتوجه به نظریه استعاره مفهومی لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) و دستاوردهای مطالعات در زمانی و درون فرهنگی و قومی به‌ویژه کووچش (۲۰۱۰)، تغییرات تاریخی استعاره‌های مفهومی در حوزه مبدأ، مقصد، و نگاشت‌ها را از متن کتاب سمک عیار (مربوط به قرن ششم هجری) بیان کرده است. در این تحلیل عواطفی چون شادی، خشم، غم، شرم، ترس، عشق، حیرت، نگرانی، و درد با حوزه‌های مبدأ نگاشت شده‌اند.

قوچانی و دیگران (۱۳۹۵) به بررسی استعاره‌های مفهومی «ترس» با رویکردی شناختی و پیکره‌ای پرداخته‌اند و از تحلیل داده‌ها مشخص شده است که حوزه‌های مبدأ «ماده»، «نیرو»، و «حرکت»، که پربسامدترین نام‌نگاشت آن مربوط به فعل حرکتی لرزیدن است، بیش‌ترین فراوانی را در مفهوم‌سازی حوزه «ترس» نزد فارسی‌زبانان دارد.

همتی و دیگران (۱۳۹۵) در چهارچوب نظریه استعاره مفهومی لیکاف و جانسون (Lakoff and Johnson 1980) حرکت استعاری را در پیکره‌ای مشخص از زبان فارسی بررسی کرده‌اند که یافته‌های این پژوهش نشان داد به ترتیب مفاهیم انتزاعی افکار، زمان، و عواطف پربسامدترین مفاهیمی هستند که در زبان فارسی از طریق حوزه مبدأ حرکت بیان می‌شوند. ثقفی و دیگران (۱۳۹۶) مفهوم شجاعت را در زبان فارسی در طی زمان تحلیل کرده‌اند. شریفی‌مقدم و دیگران (۱۳۹۶) به بررسی و مقایسه استعاره‌های مفهومی شادی و غم در سروده‌های شاعر معاصر، پروین اعتصامی (۱۲۸۵-۱۳۲۰)، پرداخته‌اند.

قاسمی و دیگران (۱۳۹۶) در مقاله «استعاره مفهومی "غم" در اشعار ملاعلی فاخر» به بررسی استعاره مفهومی غم در اشعار ملاعلی فاخر پرداخته‌اند.

سراج و بختیاری (۱۳۹۷) با رویکرد شناختی به بررسی استعاره‌های مفهومی اخلاق در شاهنامه فردوسی پرداخته‌اند.

کوشکی و دیگران (۱۳۹۸) به بررسی روند مفهوم‌سازی «عشق و نفرت» بر مبنای دو پیکره تاریخی و معاصر داده‌های زبان فارسی پرداخته‌اند.

پرتوی و دیگران (۱۳۹۸) در مقاله «استعاره‌های مفهومی غم در دو نوع شعر مرثیه و حبسیه» به بررسی استعاره غم در اشعار ملاعلی فاخر و مسعود سعد سلمان پرداخته‌اند.

به نظر می‌رسد انجام‌دادن پژوهش استعاره مفهومی نیکي بر روی متون اندرزی و مقایسه یک متن کهن مثنوی اندرزی پیش از اسلام به زبان فارسی میانه (مینوی خرد) با یک متن مثنوی اندرزی پس از اسلام (گلستان سعدی) کاری نو باشد. به نظر می‌رسد انجام‌دادن چنین پژوهشی بر روی یک متن کهن اندرزی به زبان فارسی میانه به‌روشنی شناختی پژوهشی نو باشد.

#### ۴. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی — تحلیلی است. داده‌ها به شیوه کتاب‌خانه‌ای گردآوری شده است. نیکي با پنجاه مورد رخداد در مینوی خرد و با هجده مورد رخداد در گلستان از پُربسامدترین فضایل اخلاقی در این دو متن است. برای مقایسه و تحلیل، همه نام‌نگاشت‌های مفهوم نیکي در دو متن استخراج شدند. چهارده نام‌نگاشت در مینوی خرد عبارت بودند از: تقدیر، جایگاه و موقعیت، حالت و وضعیت، سهم، شیء، عقیده، علم، عمل، فکر و اندیشه، محصول، مظهر، موهبت، وسیله، و ویژگی و نه نام‌نگاشت در گلستان سعدی عبارت بودند از: خصلت، زیورآلات، سخن، سرمایه و اندوخته، شهرت، شیء، عمل، وسیله، و وضعیت.

شایان ذکر است شاید بسامد بالای نیکي در مینوی خرد به این دلیل مشاهده شده است که در پهلوی سه واژه نیکي (nikih)، بهی (wehīh)، و فرارونی (frarōnīh) را می‌توان به معنای نیکي در نظر گرفت و هر مورد از این سه واژه، که در معنای نیکي به کار برده شده بود، به نیکي افزوده شد و در نتیجه واژه نیکي به تکرار پنجاه مورد رسیده است. هم‌چنین، ذکر این نکته لازم است که در بعضی موارد در یک بند چند حوزه مبدأ با استفاده از حروف ربط برای توصیف حوزه مقصد به کار رفته‌اند و در این موارد برای یک بند بیش از یک نام‌نگاشت ارائه شده است. مثلاً، در جمله «چه نیکي و آراستگی و ثروت و قدرت و هنر و شایستگی به کام و کردار مردمان نیست، بلکه به تقدیر سپهر و کار ایزدان باشد»، نیکي به صورت حذف به قرینه در سراسر جمله مستتر است؛ یعنی جمله بالا تقسیم‌شدنی به چهار جمله زیر است:

۱. نیکي به کام مردمان نیست؛ ۲. نیکي به کردار مردمان نیست؛ ۳. نیکي به تقدیر سپهر است؛ ۴. نیکي به کار ایزدان است.

ذکر این نکته لازم است که در بعضی موارد در یک بند چند حوزهٔ مبدأ با استفاده از حروف ربط برای توصیف حوزهٔ مقصد به کار رفته‌اند و در این موارد برای یک بند بیش از یک نام‌نگاشت ارائه شده است. مثلاً، در جملهٔ «چه نیکی و آراستگی و ثروت و قدرت و هنر و شایستگی به کام و کردار مردمان نیست، بلکه به تقدیر سپهر و کار ایزدان باشد» برای تحلیل می‌توان این جمله را به چند جملهٔ زیر تبدیل کرد:

چه نیکی به کام (= اراده، خواست) مردمان نیست ← محصول

چه نیکی به کردار مردمان نیست ← محصول

چه نیکی به تقدیر سپهر باشد ← تقدیر

چه نیکی به کار ایزدان باشد ← محصول

حوزهٔ مبدأ محصول برای نیکی در جملهٔ «چه نیکی و آراستگی و ثروت و قدرت و هنر و شایستگی به کام و کردار مردمان نیست، بلکه به تقدیر سپهر و کار ایزدان باشد» سه بار در نظر گرفته شده که در جملهٔ «نیکی به کام یعنی اراده و خواست مردمان نیست» نیکی محصولی است که به اراده و خواست مردم نیست، بلکه به اراده و خواست ایزدان و تقدیر سپهر است و در جملهٔ «چه نیکی به کردار مردمان نیست»، نیکی محصولی در نظر گرفته شده که به تقدیر سپهر و کار ایزدان قابل دست‌یابی است نه به کردار مردمان، و در جملهٔ «چه نیکی به کار ایزدان باشد»، نیکی محصولی است که نه به کردار مردمان بلکه به تقدیر سپهر و کار ایزدان حاصل می‌شود.

برگردان فارسی متن پهلوی مینوی خرد، که در این پژوهش از آن استفاده شده، مینوی خرد ترجمهٔ تفضلی (۱۳۵۴) است.

## ۵. مبانی نظری

به اعتقاد لیکاف و جانسون (Lakoff and Johnson 1980: 8)، شناخت حوزه‌های مفهومی ذهنی مبانی استعاری دارد و نظام مفهومی محصول عملکرد مفهوم‌سازی استعاری است. این نظام مفهومی دارای نقش اصلی در تبیین واقعیات روزمرهٔ زندگی است و از آن‌جاکه این نظام ساختاری استعاری دارد، شیوهٔ اندیشیدن، تجربه‌اندوختن، و عمل کردن ما نیز زیربنای استعاری دارد (افراشی ۱۳۹۵: ۶۶). استعاره، از دید ایشان، صرفاً ابزاری برای تصویرسازی‌های شاعرانه و نوعی آرایهٔ ادبی نیست (Lakoff and Johnson 1980: 3)، بلکه



جوهره اصلی استعاره تجربه و فهم یک چیز به وسیله چیزی دیگر است (ibid.: 5). لیکاف و جانسون بر آن اند که از آن جاکه مفاهیم و فعالیت‌های (کنش‌های) ما به صورتی استعاری ساختار یافته‌اند، در نتیجه زبان ما نیز به شیوه‌های استعاری ساختار یافته است. ما به ندرت از استعاره‌های از پیش انگاشته شده در کاربرد روزمره زبانمان آگاهی داریم؛ این استعاره‌ها صرفاً درون واژه‌هایی که به کار می‌بریم وجود ندارند، بلکه در مفاهیمی که به صورت روزمره از آن‌ها استفاده می‌کنیم نیز حضور دارند. ما درباره یک چیز به شیوه‌ای خاص صحبت می‌کنیم، زیرا در واقع آن را به همان صورت تصور می‌کنیم و این فرایند به همین صورت دست‌به‌دست می‌شود تا به شیوه عملکرد ما می‌رسد (ibid.: 5-7).

استعاره‌های مفهومی سازوکارهای ذهنی‌اند و همگی آن‌ها باز نمود زبانی نمی‌یابند، بلکه در فرهنگ، هنر، آداب و رسوم، و نمادها نیز ظاهر می‌شوند (Kovecses 2010: 63). کووچس نظریه استعاره مفهومی لیکاف و جانسون را به این صورت خلاصه کرده است:

۱. استعاره خاصیتی مربوط به مفاهیم است و نه واژه‌ها؛
۲. نقش استعاره فهم بهتر مفاهیمی خاص است و نه صرفاً آفرینش‌های ادبی و زیبایی‌شناختی؛
۳. استعاره‌ها اغلب بر مبنای شباهت به وجود نیامده‌اند؛
۴. استعاره روزانه و بدون صرف زحمت توسط افراد عادی به کار گرفته می‌شود و نه فقط توسط افرادی با استعدادها و ویژه؛
۵. استعاره، به جای آن که نوعی زینت زبانی زائد باشد، نوعی فرایند گریزناپذیر تفکر و استدلال انسان است (ibid.).

جالب‌ترین پژوهش معناشناسان شناختی به تحقیق درباره استعاره بازمی‌گردد. در پژوهش‌هایی نظیر لیکاف و جانسون بر این نکته تأکید شده است که استعاره عنصری بنیادین در مقوله‌بندی ما از جهان خارج و فرایندهای اندیشیدن ماست و به ساخت‌های بنیادین دیگری از قبیل «طرح‌واره‌های تصویری» یا «فضاهای ذهنی» و جز آن مربوط می‌شود (صفوی ۱۳۸۳).

نظریه امروزی استعاره معتقد است که استعاره‌ها شباهت ایجاد می‌کنند و این برخلاف نظریه سنتی استعاره یا همان نظریه مقایسه است. نظریه مقایسه مدعی است که

الف. استعاره‌ها مسائلی زبانی‌اند و نه مرتبط با تفکر یا عمل؛ ب. استعاره «الف ب است» عبارتی زبانی است و در واقع مثل این است که بگوییم الف شبیه ب است؛ ج. استعاره فقط به توصیف شباهت‌های از پیش موجود می‌پردازد و خود سازنده شباهت نیست، اما نظریه معاصر استعاره معتقد است که استعاره عمدتاً مربوط است به تفکر و عمل و فقط از نظر اشتقاق مسئله‌ای زبانی است؛ د. استعاره‌ها می‌توانند برپایه شباهت‌ها باشند؛ هرچند در بسیاری موارد شباهت‌ها خود بر مبنای آن نوع استعاره‌های قراردادی‌اند که بر مبنای شباهت شکل نگرفته‌اند؛ وظیفه اصلی استعاره فراهم کردن درک نسبی از یک نوع تجربه بر اساس نوع دیگر تجربه است. این امر ممکن است مستلزم شباهت‌های مجزای قبلی باشد یا بر اساس شباهت‌های جدید (Lakoff and Johnson 1980).

نگاشت مفهوم اصلی در نظریه استعاره‌های مفهومی است. این اصطلاح از ریاضیات به زبان‌شناسی وارد شده است و بر تناظرهای نظام‌مندی دلالت می‌کند که میان برخی حوزه‌های مفهومی وجود دارد. لیکاف الگوهای ثابتی نظیر «عشق سفر است» را نام‌نگاشت می‌نامد که در واقع باز نمود زبانی فرایند ذهنی استعاره است و نگاشت را مجموعه‌ای از تناظرهای موجود بین دو طرف استعاره می‌داند (افراشی ۱۳۹۵: ۶۷، ۶۸). نام‌نگاشت «عشق سفر است» از حوزه مقصد عشق، حوزه مبدأ سفر، و نگاشت مفاهیم حوزه سفر بر مفاهیم حوزه عشق تشکیل شده است. به این ترتیب، با توجه به گفته لیکاف (Lakoff 1993: 212) مبنی بر این که «هر نگاشت الگویی ثابت از تناظرهای مفهومی بین دو حوزه مبدأ و مقصد است»، در این استعاره یک تناظر نظام‌مند و هستی‌شناختی بین آنچه در حوزه مقصد است با آنچه در حوزه مبدأ است وجود دارد.

## ۱.۵ معنی‌شناسی شناختی

اصطلاح «معنی‌شناسی شناختی» را نخستین بار لیکاف مطرح کرد. بر اساس این نگرش، دانش زبانی مستقل از اندیشیدن و شناخت نیست. لیکاف، برخلاف افرادی چون فودور و چامسکی، رفتار زبانی را بخشی از استعداد‌های شناختی انسان می‌داند؛ استعداد‌هایی که برای آدمی امکان یادگیری، استدلال، و تحلیل را فراهم می‌آورند. در این دیدگاه، «دانش زبانی بخشی از شناخت عام آدمی است» (صفوی ۱۳۸۳).

در معنی‌شناسی شناختی، معنی بر ساخت‌های تصویری و مفهومی قراردادی استوار است؛ از این رو، ساخت معنی، مانند سایر حوزه‌های شناختی، بازتاب

«مقوله ذهنی» است که افراد در حین رشد از تجارب و اعمال خود به آن شکل می دهند. در ادبیات معنی شناسی شناختی، ساخت‌ها و فرایندهای تصویری زیادی شناسایی شده‌اند، اما به استعاره توجه ویژه‌ای شده است (Saeed 1997).

## ۶. بحث و بررسی

### ۱.۶ ترجمه و تحلیل نیکی (فضیلت) در مینوی خرد با توجه به سطر و صفحه

۱/۲۸: «چه نیکی و آراستگی و ثروت و قدرت و هنر و شایستگی به کام و کردار مردمان نیست، بلکه به تقدیر سپهر و کار ایزدان باشد».

برای تحلیل می‌توان این جمله را به چند جمله زیر تبدیل کرد:

چه نیکی به کام (= اراده، خواست) مردمان نیست ← محصول

چه نیکی به کردار مردمان نیست ← محصول

چه نیکی به تقدیر سپهر باشد ← تقدیر

چه نیکی به کار ایزدان باشد ← محصول

حوزه مبدأ محصول برای نیکی در جمله «چه نیکی و آراستگی و ثروت و قدرت و هنر و شایستگی به کام و کردار مردمان نیست، بلکه به تقدیر سپهر و کار ایزدان باشد» سه بار در نظر گرفته شده است که در جمله «نیکی به کام یعنی اراده و خواست مردمان نیست»، نیکی محصولی است که به اراده و خواست مردم نیست، بلکه به اراده و خواست ایزدان و تقدیر سپهر است و در جمله «چه نیکی به کردار مردمان نیست»، نیکی محصولی در نظر گرفته شده است که به تقدیر سپهر و کار ایزدان قابل دست‌یابی است نه به کردار مردمان، و در جمله «چه نیکی به کار ایزدان باشد»، نیکی محصولی است که نه به کردار مردمان، بلکه به تقدیر سپهر و کار ایزدان حاصل می‌شود.

در جمله «چه نیکی به تقدیر سپهر باشد»، حوزه مبدأ تقدیر را می‌توان برای نیکی در نظر گرفت که به تقدیر سپهر و کار ایزدان به مردمان عطا خواهد شد.

با بررسی تحلیل‌های به دست آمده از این جمله، شاید بتوان گفت نوعی اعتقاد به تقدیر در این جمله وجود دارد.

۱/۷۲: «و برای این که نیکی به آدمی برسد، سپاس‌گزاری بهتر است».

در جمله بالا نیکی شیئی در نظر گرفته شده که قابل تقسیم بین افراد است.

- ۱/۸۷: «و در سالاری، نیکان را به نیکی و بدان را به بدی شناختن و نیکان را پاداش دادن و بدان را سرزنش کردن بهتر است».
- در جمله بالا، نیکان را به نیکی شناختن مانند وسیله در نظر گرفته شده است.
- ۱/۹۸: «به هیچ نیکی گیتی تکیه مکن».
- نیکی شیئی است که می‌توان به آن تکیه داد (تکیه‌گاه).
- ۳/۷: «و ششم برای هرکسی نیکی آرزو کردن».
- نیکی در این‌جا مانند موهبتی است که می‌توان آن را برای دیگری آرزو کرد.
- ۶/۵: «و پارسایان را در بهشت وضع چه و نیکی از چیست».
- نیکی در این‌جا محصول است.
- ۷/۵: «و هر نیکی و بدی به مردمان و آفریدگان دیگر چگونه رسد».
- نیکی را می‌توان به صورت شیء در حال حرکت در نظر گرفت که از منشأ خیر به سمت مردمان می‌رسد.
- ۷/۱۷: «هر نیکی و بدی که به مردمان و نیز به آفریدگان دیگر می‌رسد از هفتان (= هفت سیاره) و دوازدهان (= دوازده برج) می‌رسد».
- نیکی مانند شیء در حال حرکت به مردمان می‌رسد و نیکی مانند شیء در حال حرکت به آفریدگان می‌رسد.
- ۷/۲۳: «و اهریمن را آزار و بدی آرزوست و هیچ‌گونه نیکی نیندیشد و نپذیرد».
- در جمله بالا، درحقیقت، دو جمله اهریمن نیکی نیندیشد و اهریمن نیکی نپذیرد وجود دارد، که در جمله «نیکی نیندیشد» درحقیقت نیکی فکر یا اندیشه‌ای در ذهن است. و «نیکی نپذیرد»، نیکی مانند شیء ارزش‌مند است.
- ۹/۶: «و اورمزد درستی اندیشد و کارش کار نیک و نیکی و راستی است».
- نیکی در این‌جا عمل نیک یا کار نیک انجام‌دادن است، پس نیکی در این جمله عمل است.
- ۹/۸: «گوهر نیک را به هیچ‌وسیله به بدی و گوهر بدی را به هیچ‌طریقه به نیکی نمی‌توان برگردانید».
- در جمله «گوهر بدی را به نیکی نمی‌توان برگردانید»، نیکی شیء است که می‌تواند از شکلی به شکل دیگر تبدیل شود.

۹/۱۰: «و اهرمن به سبب بدگوهری هیچ نیکی و راستی را نپذیرد».

در عبارت «اهریمن هیچ نیکی را نپذیرد» نیکی شیء ارزش مندی است.

۱۰/۲: «که خرد بهتر است یا هنر یا نیکی؟».

نیکی ویژگی است.

۱۰/۴: «که خردی که با آن نیکی نیست آن را خرد نباید شمرد».

نیکی جزئی از خرد است، پس نیکی شیء است.

۱۱/۵: «و آفریدگار اورمزد همه نیکی این آفریدگان را به عهده مهر و ماه و آن

دوازده برج که در دین دوازده سپاهبد نامیده شده اند سپرد».

در جمله «آفریدگار اورمزد همه نیکی این آفریدگان را به عهده مهر و ماه و آن

دوازده برج ... سپرد» نیکی شیء است که به عهده مهر و ماه و ... سپرده شده است.

۱۱/۷: «پس اهرمن آن هفت سیاره را، که هفت سپاهبد اهرمن نامیده اند، برای برهم زدن

و ربودن آن نیکی از مخلوقات اورمزد و برای مخالفت با مهر و ماه و آن دوازده برج آفرید».

«اهریمن آن هفت سیاره را برای برهم زدن آن نیکی آفرید»، نیکی در این عبارت شیء

در نظر گرفته می شود و در جمله «اهریمن آن هفت سیاره را برای ربودن آن نیکی آفرید»،

نیکی به شیئی مانند شده که ارزش ربوده شدن دارد.

۱۵/۲۱: «و نیکی مرد در خشم و خرد مرد در شهوت بدی انگیز > آشکار می شود».

پس نیکی مرد یک شیء پنهان است که در هنگام خشم آشکار می شود (در به معنای

«هنگام» است).

۱۵/۳۷: «چه از به اندازه خوردن می این چند نیکی بدو رسد».

در عبارت «این چند نیکی بدو رسد» نیکی شیء در حال حرکت است که به

شخص می رسد.

۱۵/۴۴: «و نیکی در اندیشه جای گیرد».

نیکی مطروفی است که در ظرف اندیشه جای می گیرد.

۲۰/۱۳: «و هر دروجی به تن او چنان جای گزین شود که در تن او هیچ نیکی را

راه ندهد».

در عبارت بالا نیکی شیء در حال حرکت است.

۲۱/۴: «که با کوشش آن نیکی ای را که مقدر نشده است نمی توان به دست آورد».

در جملهٔ بالا نیکی شیء است.

۲۲/۵: چه هنگامی که تقدیر برای نیکی یا بدی فرارسد دانا در کار گم‌راه و نادان  
کاردان <شود>».

نیکی تقدیر است.

۲۳/۸: «اما ایزدان آن بخشش را بدین سبب کم‌تر می‌کنند و به مینو آن را آشکار می‌کنند  
که اهرمن بدکار به آن بهانه به نیروی هفت سیاره خواسته و نیز هر نیکی دیگر را از نیکان و  
شایستگان می‌دزدد و به بدان و ناشایستگان بیش‌تر می‌بخشد».

«هر نیکی دیگر را از نیکان و شایستگان می‌دزدد»، نیکی شیء است.

«<هر نیکی> به بدان و ناشایستگان بیش‌تر می‌بخشد»، نیکی شیء است.

۲۶/۳: «و از نیکی بیش‌تر بهره یافتند؟».

از نیکی بهره‌یافتن، نیکی سهم است.

۲۶/۹: «که آن‌چه درمورد ایشان از جهت نیکی یا بدی می‌پرسی آگاه باش و بدان ...»

«از جهت نیکی ... می‌پرسی»، نیکی یک ویژگی است.

۲۶/۱۳: «که سرانجام آن نیکی‌ای که از ایشان بایست به آفریدگان اورمزد می‌رسید  
رسیده است».

نیکی موهبت است.

۳۲/۱۶: «و آن سرزمینی بدتر است که به نیکی و ایمنی و آسایش در آن نتوان زیست».

نیکی را می‌توان حالت و وضعیت در نظر گرفت.

۳۶/۸: «و پنجم آرزوی نیکی کردن به نیکان و درست‌بودن نسبت به هرکس».

نیکی عمل است.

۳۶/۱۷: «و چهاردهم کسی که نیک‌چشمی نیکان را خواهد و [خود] نیز نسبت به

نیکی‌ای که در نیکان می‌بیند نیک‌چشم باشد».

نیکی‌ای که در نیکان می‌بیند نیکی شیء قابل‌رؤیت است.

نیکان ظرف و نیکی مظروف است.

۳۶/۳۰: «و بیست‌وهفتم کسی که خود نیکی کند و به دیگران نیز تعلیم نیک دهد».

نیکی عمل است و در <نیکی را> به دیگران نیز تعلیم نیک دهد نیکی علم است.

- ۳۷/۲: «که چرا نیکی گیتی را بنا بر شایستگی به هر کسی قسمت نمی‌کنند، ولی روان را در جهان دیگر بنا بر شایستگی کردارش مؤاخذه می‌کنند».
- نیکی قسمت نمی‌کنند، نیکی<sup>۱</sup> سهم است.
- ۴۱/۶: «مردم آن باشد که به آفریدگاری اورمزد و نابودکنندگی اهرمن و بودن رستاخیز و تن پسین و نیز به هر نیکی و بدی دیگری که در گیتی و مینو است بی‌گمان باشد».
- به هر نیکی که در گیتی و مینو است بی‌گمان باشد؛ نیکی عقیده است.
- ۴۳/۲۵: «و نیکی‌اش این است که زندگی مردم در آن‌جا سیصد سال است».
- نیکی در این‌جا ویژگی است.
- ۵۰/۵: «که مرد کاهل و نادان و بد هنگامی که بخت با او یار شود کاهلی‌اش به کوشش همانند شود و نادانی‌اش به دانایی و بدی‌اش به نیکی».
- «بدی‌ش به نیکی همانند شود»، نیکی شیء شبیه شیء دیگر است.
- ۵۱/۲: «که پرستش ایزدان و سپاس‌گزاری از نیکی ایزدان را چگونه باید کرد».
- نیکی موهبت است.
- ۵۱/۱۵: «و به این بی‌گمان‌بودن که ایزدان به مردمان، گذشته از نیکی، هیچ‌گونه بدی ندهند و اهرمن و دیوان، گذشته از بدی، هیچ‌گونه نیکی ندهند».
- نیکی در این‌جا شیء است که ایزدان به مردمان می‌دهند.
- ۵۶/۳۲: «این نیز پیداست که مرد نادان بدخیم اگر هم بسیار به احترام و توان‌گری و قدرت برسد، باین‌همه، نباید برای آن نیکی و قدرت بدو احترام گزارد».
- نیکی<sup>۱</sup> جایگاه و موقعیت است.
- ۵۹/۲: «که انسان به نیکی و بدی کدام‌یک شناخته‌تر است».
- به نیکی شناختن، نیکی<sup>۱</sup> ویژگی است.
- ۵۹/۱۳: «که آن کسی که کارش با نیکان است نیکی پذیرد. و آن‌که کارش با بدان است بدی».
- نیکی ویژگی است.
- ۶۲/۴-۵: «که نسبت به ایزدان سپاس‌گزاربودن و برای همه نیکی آرزوکردن».
- «نیکی آرزوکردن»، نیکی<sup>۱</sup> موهبت است.

مفهوم‌سازی «نیکی» در مینوی خرد به چهارده صورت مشاهده شد: شیء، ویژگی، عمل، موهبت، محصول، سهم، مطروف، تقدیر، وسیله، فکر و اندیشه، جایگاه و موقعیت، حالت و وضعیت، علم، و عقیده.

مفهوم‌سازی «نیکی» به صورت «نیکی شیء است» با ۴۴ درصد بیش‌ترین رخداد را در مینوی خرد داشته است که در مواردی از آن‌ها شیء به تنهایی بوده و در مواردی دیگر این شیء موارد کاربردی داشته، مانند ۱. شیئی که پاداش است؛ ۲. شیئی که تکیه‌گاه است؛ ۳. شیئی در حال حرکت؛ ۴. شیئی که از شکلی به شکل دیگر تبدیل می‌شود؛ ۵. شیئی بارز؛ ۶. شیئی که ارزش ربوده شدن دارد؛ ۷. شیئی که ایزدان به مردمان می‌دهند؛ ۸. شیء در حال حرکت که به شخص می‌رسد؛ ۹. شیء پنهان.

«نیکی ویژگی است» با ۱۱ درصد کاربرد در جایگاه دوم قرار دارد و «نیکی محصول است»، «نیکی موهبت است»، و «نیکی عمل است» با ۸ درصد کاربرد در رتبه سوم قرار دارد. در رتبه چهارم «نیکی تقدیر است»، «نیکی مطروف است»، و «نیکی سهم است» هر کدام با ۴ درصد کاربرد قرار دارند و کم‌ترین کاربرد، یعنی ۲ درصد استفاده، به موارد زیر اختصاص داشت: «نیکی جایگاه و موقعیت است»، «نیکی عقیده است»، «نیکی علم است»، «نیکی حالت و وضعیت است»، «نیکی فکر یا اندیشه است»، و «نیکی وسیله است» (جدول ۱، نمودار ۱).

## ۲.۶ تحلیل نیکی (فضیلت) در گلستان سعدی با توجه به حکایت، باب، و صفحه

نیکی

حکایت (۲)، باب اول، ص ۵۱:

خیری کن ای فلان و غنیمت شمار عمر      زان پیش‌تر که بانگ برآید فلان نماند

در جمله بالا خیر عمل است.

حکایت (۱۰)، باب اول، ص ۷۹: «هرآن‌که تخم بدی کشت و چشم نیکی داشت / دماغ

بیهده پخت و خیال باطل بست».

نیکی ویژگی است.

حکایت (۱۷)، باب اول، ص ۱۰۰: «تنی چند از روندگان در صحبت من بودند ظاهر

ایشان به صلاح (نیکی) آراسته و یکی را از بزرگان در حق این طایفه حسن‌ظنی بلیغ و

ادراری معین کرده تا یکی از اینان حرکتی کرد نه مناسب حال درویشان».

«ظاهرش به نیکی آراسته بود»، نیکی زیورآلات است.



حکایت (۲۰)، باب اول، ص ۱۰۷:

خواهی که خدای بر تو بخشد با خلق خدای کن نکویی

نکویی عمل است.

حکایت (۲۴)، باب اول، ص ۱۱۳: «ملک زوزن را خواجه‌ای بود کریم‌النفس نیک‌محضر

که همگان را در مواجهه خدمت کردی و در غیبت نکویی گفتی».

نکویی سخن و گفتار است.

حکایت (۳۳)، باب اول، ص ۱۳۰:

با بداندیش هم نکویی کن دهن سگ به لقمه دوخته به

نکویی عمل است.

حکایت (۴۱)، باب اول، ص ۱۴۰: «گفتا به عون خدای، عزوجل، هر مملکتی را که

گرفتم رعیتش نیازردم و نام پادشاهان جز به نکویی نبردم».

«نام پادشاهان به نیکویی بردن»، نکویی ویژگی است.

حکایت (۳۳)، باب دوم، ص ۲۱۱: «وزیر فیلسوف جهان دیده حاذق که با او بود گفت:

ای خداوند، شرط دوستی آن است که با هر دو طایفه نکویی کنی، عالمان را زر بده تا دیگر

بخوانند و زاهدان را چیزی مده تا زاهد بمانند».

نکویی عمل است.

حکایت (۴۸)، باب دوم، ص ۲۳۶:

نماند حاتم طایی و لیک تا به ابد بماند نام بلندش به نیکویی مشهور

نام بلندش به نیکویی مشهور بماند، نیکویی ویژگی است.

حکایت (۱)، باب چهارم، ص ۳۱۵: «یکی را از دوستان گفتم: امتناع سخن گفتم

به علت آن اختیار آمده است در غالب اوقات که در سخن نیک و بد اتفاق افتد و دیده

دشمنان جز بر بدی نمی‌آید. گفت: دشمن آن به که نیکی نبیند».

«نیکی نبیند»، نیکی شیء است.

حکایت (۱۰)، باب چهارم، ص ۳۲۴:

امیدوار بود آدمی به خیر کسان مرا به خیر تو امید نیست، شر مرسان

آدمی به خیر کسان امیدوار بود.

نیکی خصلت است.

مرا به خیر تو امید نیست، شر مرسان.

خیر خصلت است.

حکایت (۱۲)، باب چهارم، ص ۳۲۶: «مردم قریه به علت جاهی که داشت بلیتش می کشیدند و اذیتش را مصلحت نمی دیدند تا یکی از خطبای آن اقلیم، که با او عداوتی نهانی داشت، باری به پرسش آمده بودش؛ گفت: تو را خوابی دیده‌ام، خیر باد!».

خیر وضعیت است.

حکایت (۵)، باب هفتم، ص ۴۴۶:

نام نکویی چو برون شد به کوی درنتوانی که بیندی به روی

نکویی ویژگی است.

حکایت (۲)، باب هشتم، ص ۵۱۶:

آن کس که به دینار و درم خیر نیندوخت  
سر عاقبت اندر سر دینار و درم کرد  
خیر سرمایه و اندوخته است.

حکایت (۲)، باب هشتم، ص ۵۱۷:

شکر خدای کن که موفق شدی به خیر زانعام و فضل او نه معطل گذاشتت

خیر عمل است.

حکایت (۳۲)، باب هشتم، ص ۵۳۹: «هر که در حال توانایی نکویی نکند، در وقت ناتوانی سختی بیند».

نکویی عمل است.

حکایت (۳۷)، باب هشتم، ص ۵۴۶:

از بدان نیکویی نیاموزی نکند گرگ پوستین دوزی

نیکویی عمل است.

در جدول ۲ مفهوم‌سازی «نیکی» در گلستان سعدی به هشت صورت مشاهده شد: عمل، ویژگی، زیورآلات، سخن و گفتار، شیء، خصلت، وضعیت، و سرمایه و اندوخته.

مفهوم‌سازی «نیکی» به صورت «نیکی عمل است» با ۳۹ درصد بیش‌ترین رخداد را در پیکره داشته است.

«نیکی ویژگی است» با ۲۲ درصد کاربرد در جایگاه دوم قرار دارد و «نیکی خصلت است» ۱۱ درصد رخداد داشت. «نیکی زیورآلات است»، «نیکی سخن و گفتار است»، و «نیکی سرمایه و اندوخته است» با ۶ درصد در رتبه بعدی قرار دارد. «نیکی شیء است» و «نیکی وضعیت است» با ۵ درصد در آخرین مرتبه قرار دارند (جدول ۲، نمودار ۲).

## ۷. نتیجه‌گیری

نیکی (frarōnīh ,vehīh anēkīh)

مفهوم‌سازی «نیکی» در مینوی خرد به چهارده صورت مشاهده شد: شیء، ویژگی، عمل، موهبت، محصول، سهم، مظروف، تقدیر، وسیله، فکر و اندیشه، جایگاه و موقعیت، حالت و وضعیت، علم، و عقیده با تعداد کل پنجاه مورد؛ درحالی‌که مفهوم‌سازی نیکی در گلستان سعدی به هشت صورت مشاهده شد: عمل، ویژگی، زیورآلات، سخن و گفتار، شیء، خصلت، وضعیت، و سرمایه و اندوخته با تعداد کل هجده مورد. نام‌نگاشت‌های «نیکی عمل است»، «نیکی شیء است»، «نیکی ویژگی است»، و «نیکی وضعیت است» در مینوی خرد و گلستان مشترک است.

مفهوم‌سازی «نیکی» به صورت «نیکی شیء است» با ۴۴ درصد بیش‌ترین رخداد را در مینوی خرد داشته است که یا شیء به‌تنهایی بوده یا این شیء موارد کاربردی داشته، مانند ۱. شیئی که پاداش است؛ ۲. شیئی که تکیه‌گاه است؛ ۳. شیئی درحال حرکت؛ ۴. شیئی که از شکلی به شکل دیگر تبدیل می‌شود؛ ۵. شیئی با ارزش؛ ۶. شیئی که ارزش ربوده‌شدن دارد؛ ۷. شیئی که ایزدان به مردمان می‌دهند؛ ۸. شیئی درحال حرکت که به شخص می‌رسد؛ ۹. شیئی پنهان؛ درحالی‌که در گلستان سعدی مفهوم‌سازی «نیکی» به صورت «نیکی عمل است» با ۳۹ درصد بیش‌ترین رخداد را داشته است.

در مینوی خرد «نیکی ویژگی است» با ۱۰ درصد در جایگاه دوم قرار دارد و در گلستان سعدی نیز «نیکی ویژگی است» با ۲۲ درصد در جایگاه دوم قرار دارد. در مینوی خرد «نیکی محصول است» و «نیکی موهبت است» با ۸ درصد در رتبه سوم قرار دارد. پس از آن «نیکی تقدیر است»، «نیکی مظروف است»، و «نیکی سهم است» با هرکدام ۴ درصد

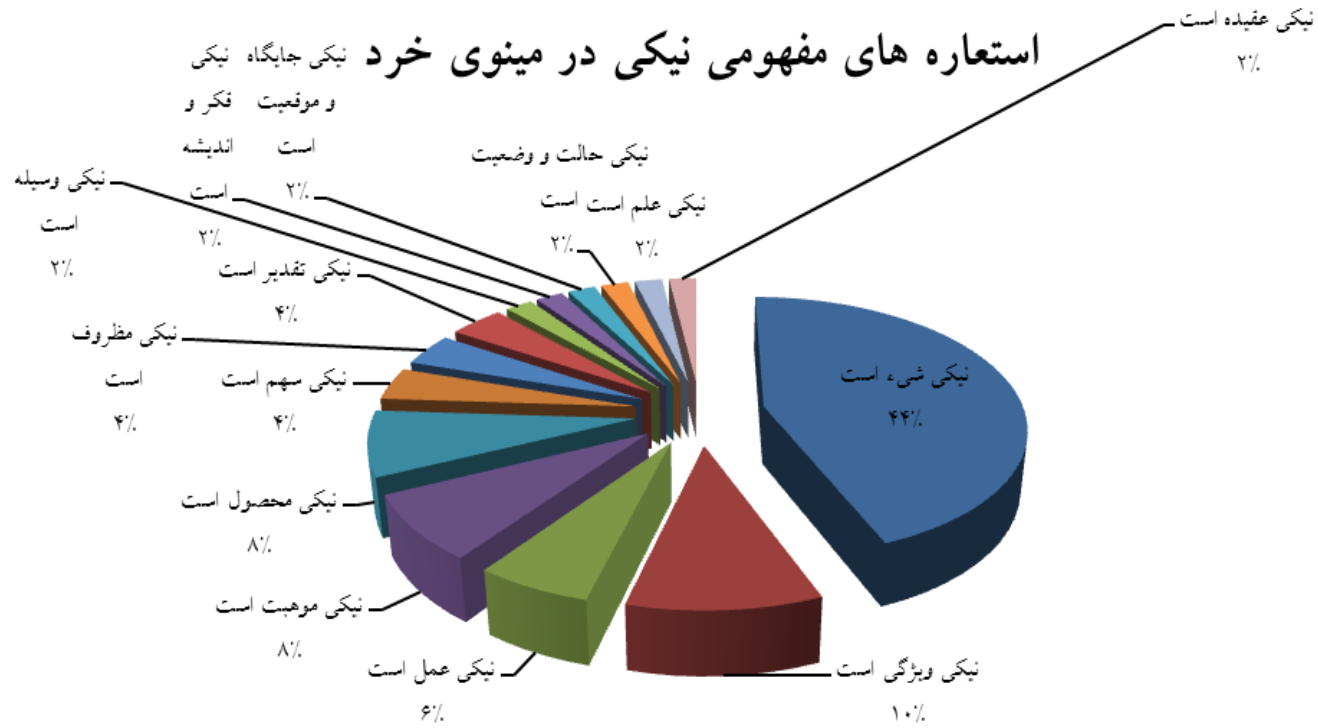
قرار دارند و کم‌ترین کاربرد یعنی ۲ درصد استفاده به موارد زیر اختصاص داشت: «نیکی جایگاه و موقعیت است»، «نیکی عقیده است»، «نیکی علم است»، «نیکی حالت و وضعیت است»، «نیکی فکر یا اندیشه است»، و «نیکی وسیله است». در گلستان «نیکی خصلت است» با ۱۱ درصد در رتبه سوم قرار دارد و «نیکی زیورآلات است»، «نیکی سخن و گفتار است»، و «نیکی سرمایه و اندوخته است» با ۶ درصد رخداد در مرتبه بعدی قرار دارند. «نیکی شیء است» و «نیکی وضعیت است» با ۵ درصد رخداد در کم‌ترین بسامد وجود دارند.

درباره نام‌نگاشت‌های شیء، عمل، حالت، وضعیت، و ویژگی، که در هر دو پیکره مشترک است، تفاوت تعداد رخداد مشاهده‌شدنی است؛ بدین صورت که در مینوی خرد «نیکی شیء است» ۴۴ درصد رخداد دارد؛ درحالی‌که در گلستان ۵ درصد رخداد دارد. «نیکی عمل است» در مینوی خرد ۶ درصد رخداد دارد؛ درحالی‌که در گلستان بیش‌ترین رخداد یعنی ۳۹ درصد را داراست. «نیکی ویژگی است» در مینوی خرد ۱۰ درصد و در گلستان ۲۲ درصد مشاهده شد و «نیکی حالت و وضعیت است» در مینوی خرد ۲ درصد و در گلستان ۵ درصد است.

نام‌نگاشت‌های «نیکی موهبت است» (۸ درصد)، «نیکی محصول است» (۸ درصد)، «نیکی سهم است» (۴ درصد)، «نیکی مظروف است» (۴ درصد)، «نیکی تقدیر است» (۴ درصد)، «نیکی فکر و اندیشه است» (۲ درصد)، «نیکی جایگاه و موقعیت است» (۲ درصد)، «نیکی علم است» (۲ درصد)، و «نیکی عقیده است» (۲ درصد) فقط در مینوی خرد مشاهده شد و نام‌نگاشت‌های «نیکی زیورآلات است» (۶ درصد)، «نیکی سخن و گفتار است» (۶ درصد)، «نیکی خصلت است» (۱۱ درصد)، و «نیکی سرمایه و اندوخته است» (۶ درصد) فقط در گلستان سعدی مشاهده شد (نمودار ۳، جدول ۳).

شاید بتوان گفت وجود دو نام‌نگاشت «نیکی موهبت است» و «نیکی تقدیر است» در مینوی خرد بیش از هرچیز نشان از تفکر تقدیرگرای زروانی رایج در اواخر دوره ساسانی دارد که در نگارنده یا نگارندگان مینوی خرد تأثیر گذاشته است. هم‌چنین، به‌نظر می‌رسد بسامد بالای نام‌نگاشت «نیکی عمل است» در گلستان، در مقایسه با مینوی خرد، نشان از عمل‌گرایی نگارنده گلستان دارد.

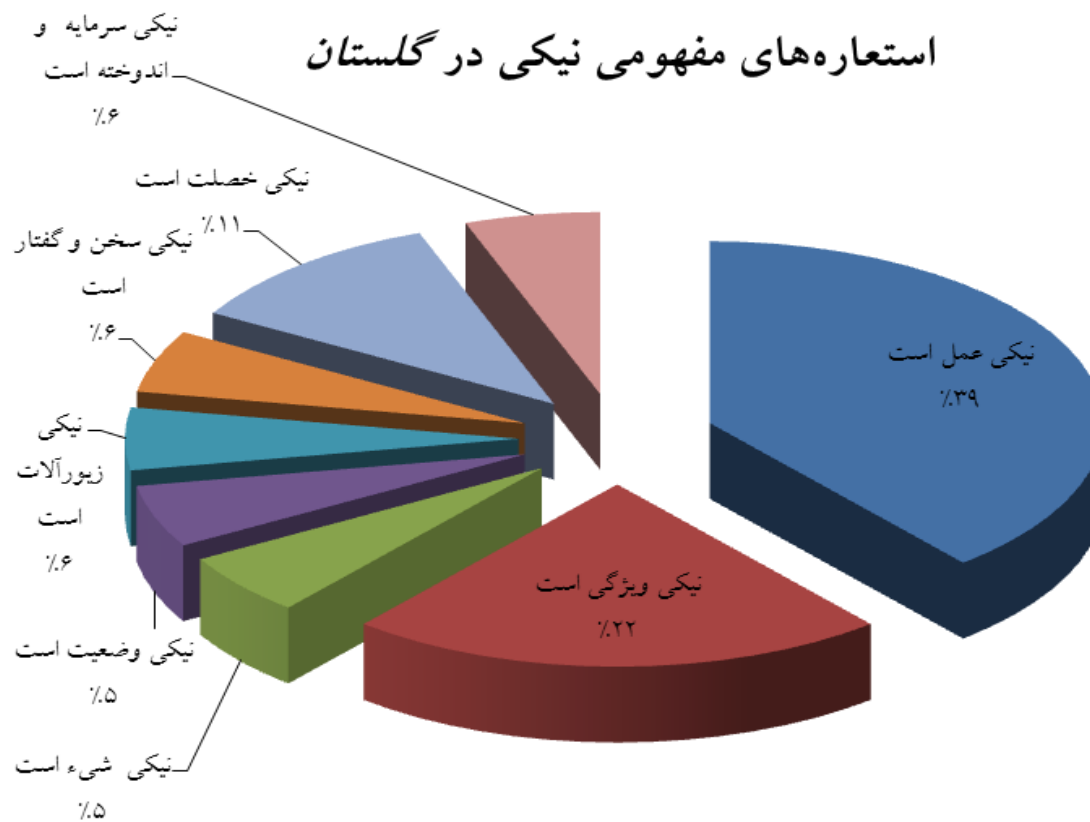
ضمایم (نمودارها و جداول)



نمودار ۱. استعاره های مفهومی نیکی در مینوی خرد (به درصد)

جدول ۱. استعاره‌های مفهومی نیکی در مینوی خرد

نام‌نگاشت	نیکی و سیله است	نیکی عقیده است	نیکی حالت و وضعیت است	نیکی جایگاه و موقعیت است	نیکی فکر یا اندیشه است	نیکی علم است	نیکی سهم است	نیکی مظهر و مظهر است	نیکی تقدیر است	نیکی موهبت است	نیکی عمل است	نیکی محصول است	نیکی ویژگی است	نیکی شیء است
مجموع رخداد در کل پیکره	%۲	%۲	%۲	%۲	%۲	%۲	%۴	%۴	%۴	%۸	%۶	%۸	%۱۰	%۴۴

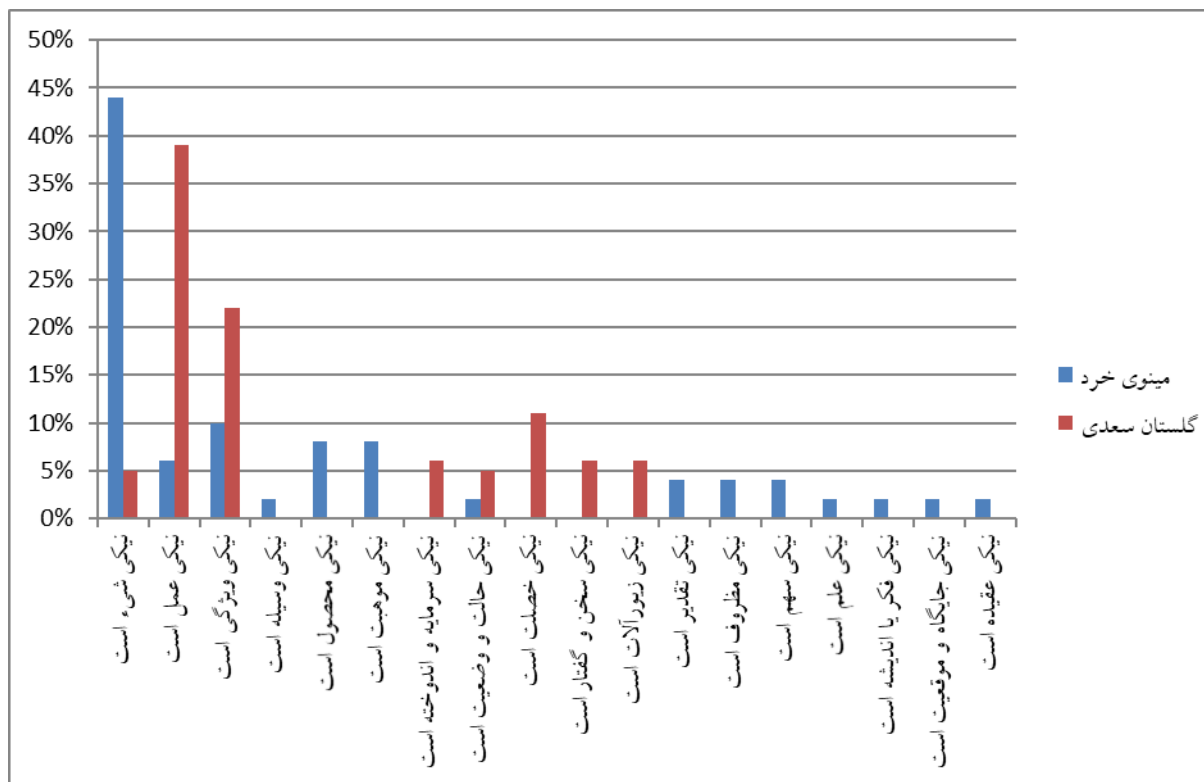


نمودار ۲. استعاره‌های مفهومی نیکی در گلستان (به درصد)

جدول ۲. استعاره‌های مفهومی نیکی در گلستان

نیکی (خیر) عمل است	نیکی (خیر) سرمایه و اندوخته است	نیکی (خیر) ویژگی است	نیکی (خیر) وضعیت است	نیکی (خیر) خصلت است	نیکی (خیر) شیء است	نیکی (خیر) سخن و گفتار است	نیکی (خیر) زیورآلات است	نام‌نگاشت
۳۹٪	۶٪	۲۲٪	۵٪	۱۱٪	۵٪	۶٪	۶٪	مجموع رخداد در کل پیکره





نمودار ۳. مقایسه استعاره‌های مفهومی نیکی در مینوی خرد و گلستان

جدول ۳. مقایسه استعاره‌های مفهومی نیکی در مینوی خرد و گلستان

نیکی شیء است	۴۴٪	۵٪
نیکی عمل است	۶٪	۳۹٪
نیکی ویژگی است	۱۰٪	۲۲٪
نیکی وسیله است	۲٪	۰٪
نیکی محصول است	۸٪	۰٪
نیکی موهبت است	۸٪	۰٪
نیکی سرمایه و آلدوخته است	۰٪	۶٪
نیکی حالت و وضعیت است	۲٪	۵٪
نیکی خصلت است	۰٪	۱۱٪
نیکی سخن و گفتار است	۰٪	۶٪
نیکی زیورآلات است	۰٪	۶٪
نیکی تقدیر است	۴٪	۰٪
نیکی مطروف است	۴٪	۰٪
نیکی سهم است	۴٪	۰٪
نیکی علم است	۲٪	۰٪
نیکی فکر یا اندیشه است	۲٪	۰٪
نیکی جایگاه و موقعیت است	۲٪	۰٪
نیکی عقیده است	۲٪	۰٪
نام متن	مینوی خرد	گلستان سعدی

## کتابنامه

- افراشی، آزیتا (۱۳۹۵)، *مبانی معناشناسی شناختی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- بختیاری، محمود و اشرف سراج (۱۳۹۵)، «استعاره‌های مفهومی در شاهنامه فردوسی»، در: *مجموعه مقالات نخستین همایش ملی معناشناسی شناختی*، به‌کوشش آزیتا افراشی، تهران: نویسه پارس.
- پرتوی، آناهیتا، سهیل سعادت‌نی‌ا، و نادیا حاجی‌پور (۱۳۹۸)، «استعاره‌های مفهومی غم در دو نوع شعر مرثیه و حبسیه»، *دوفصل‌نامه ادبیات و پژوهش‌های میان‌رشته‌ای*، دوره ۱، ش ۱.
- تباری، فاطمه (۱۳۹۴)، *استعاره‌های مفهومی خشم در زبان فارسی: رویکردی شناختی و پیکره‌ای*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- تفضلی، احمد (۱۳۴۸)، *واژه‌نامه مینوی خرد*، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- تفضلی، احمد (۱۳۵۴)، *مینوی خرد*، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- تفضلی، احمد (۱۳۸۶)، *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*، تهران: سخن.
- تقفی، عشرت (۱۳۹۶)، *تحول تاریخی استعاره‌های مفهومی شجاعت در زبان فارسی: رویکردی شناختی و پیکره‌ای*، پایان‌نامه دکتری، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب.
- حامدی شیروان، زهرا و شهلا شریفی (۱۳۹۴)، «بررسی استعاره‌های شناختی و مدل شناختی خشم و کینه در پنج داستان از شاهنامه فردوسی»، در: *مجموعه مقاله‌های همایش مخاطب‌شناسی شاهنامه و شعر حماسی فارسی*، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد.
- دالوند، یاسر (۱۳۹۹)، *مینوی خرد*، با مقدمه سیروس شمیسا، تهران: کتاب سده.
- دیلمقانی، سارا (۱۳۹۵)، «بررسی تاریخی استعاره‌های مفهومی در زبان فارسی: متن سمک عیار»، در: *مجموعه مقالات نخستین همایش ملی معناشناسی شناختی*، به‌کوشش آزیتا افراشی، تهران: نویسه پارس.
- سراج، اشرف و محمود بختیاری (۱۳۹۷)، «استعاره‌های مفهومی حوزه اخلاق در شاهنامه فردوسی: رویکرد شناختی»، *پژوهش‌نامه اخلاق*، س ۱۱، ش ۴۰.
- شریفی مقدم، آزاده، مریم آزادی‌خواه، و وحیده ابوالحسنی‌زاده (۱۳۹۶)، «مقایسه استعاره‌های مفهومی غم و شادی در اشعار پروین اعتصامی»، *نشریه زبان‌پژوهی*، انتشار آنلاین از تاریخ ۱۶ دی ۱۳۹۶: DOI: 10/22051/jlr.2018,15235,1330
- صفوی، کوروش (۱۳۸۳)، *از زبان‌شناسی به ادبیات*، تهران: سوره مهر.

۱۰۰ کهن‌نامهٔ ادب پارسی، سال ۱۲، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰

- فروودی، مصطفی (۱۳۹۲)، «اخلاق در دین زرتشت از منظر مینوی خرد»، دوفصل‌نامه تخصصی اخلاق و حیانی، س ۲، ش ۵.
- فضایلی، سیده‌مریم و شیما ابراهیمی (۱۳۹۳)، «بررسی استعاره‌های مفهومی احساس "غم" در شعر مسعود سعد سلمان»، نشریهٔ مطالعات زبان و ادبیات غنایی، س ۴، ش ۱۳.
- قاسمی، آزاده (۱۳۹۴)، بررسی استعاره‌های مفهومی و طرح‌واره‌های تصویری واژهٔ غم در اشعار فریدون مشیری، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- قاسمی، حسین، محمد عارف امیری، نادیا حاجی‌پور، و آناهیتا پرتوی (۱۳۹۶)، «استعارهٔ مفهومی "غم" در اشعار ملاعلی فاخر»، در: مجموعهٔ مقالات برگزیدهٔ همایش ملی ملاعلی و شیخ‌آقا حسن فاخری، مازندران: شفلین.
- قوچانی، بیتا، آزیتا افراشی، و سیدمصطفی عاصی (۱۳۹۵)، «استعاره‌های مفهومی حوزهٔ ترس در زبان فارسی: رویکردی شناختی و پیکره‌ای»، در: مجموعهٔ مقالات نخستین همایش ملی معناشناسی شناختی، به‌کوشش آزیتا افراشی، تهران: نویسهٔ پارسی.
- کوشکی، فاطمه (۱۳۹۸)، مفهوم‌سازی «عشق و نفرت» در زبان فارسی: رویکردی شناختی، در زمانی، و پیکره‌ای، پایان‌نامهٔ دکتری، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- گلستان سعدی (۱۳۷۴)، به‌کوشش خلیل خطیب‌رهبر، تهران: صفی‌علیشاه.
- مصاحب، غلام‌حسین (۱۳۵۶)، دایرة‌المعارف فارسی، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- ملکیان، معصومه و فرهاد ساسانی (۱۳۹۳)، «مفهوم‌سازی خشم در زبان فارسی»، نشریهٔ پژوهش‌های زبان‌شناسی، س ۶، ش ۲.
- مولودی، امیرسعید، غلام‌حسین کریمی دوستان، و محمود بی‌جن‌خان (۱۳۹۴) «کاربست رویکرد پیکره‌بنیاد تحلیل الگوی استعاری در زبان فارسی: مطالعهٔ حوزهٔ مقصد خشم»، پژوهش‌های زبانی، س ۶، ش ۱.
- نصیریان، یدالله (۱۳۸۰)، علوم بلاغت و اعجاز قرآن، تهران: سمت.
- همتی، طاهره، مریم شوقی، و کامیار جولایی (۱۳۹۵)، «استعاره‌های مفهومی حرکت در زبان فارسی: یک تحلیل پیکره‌مدار»، در: مجموعهٔ مقالات رویکردی شناختی به بازنمود حرکت در زبان فارسی، به‌کوشش آزیتا افراشی، تهران: نویسهٔ پارسی.

Jäkel, O. (2002), "Hypotheses Revisited: The Cognitive Theory of Metaphor Applied to Religious Texts", *Metaphorik*, vol. 2, no. 1.

Kovecses, Z. (2010), *Metaphor: A Practical Introduction*, Oxford University Press.

Lakoff, G. and M. Johnson (1980), "The Metaphorical Structure of the Human Conceptual System", *Cognitive Science*, vol. 4, no. 2.

تحلیل استعاره نیک‌ی در مینوی خرد و گلستان سعدی ... (آناهیتا پرتوی و دیگران) ۱۰۱

- Lakoff, G. (1993), "The Contemporary Theory of Metaphor", in: *Metaphor and Thought*, A. Ortony (ed.).
- Montgomery, M., A. Durant, N. Fabb, T. Furniss, and S. Mills (2007), *Ways of Reading: Advanced Reading Skills for Students of English Literature*, London: Routledge.
- Moradi, M. R. and Sh. Pirzad Mashak (2013), "A Comparative and Contrastive Study of Sadness Conceptualization in Persian and English", *English Linguistic Research*, vol. 2.
- Saeed, J. (1997), *Semantics*, Oxford: Blackwell.

